

توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان

ابوالقاسم فاتحی^۱، سعید صادقی^۲، ابراهیم اخلاصی^۳

(تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۸، تاریخ تصویب: ۸۹/۸/۱۲)

چکیده

مقاله توصیفی - تحلیلی حاضر با هدف کلی شناخت ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان تهیه شده است. پرسش اساسی مقاله این است که این گروه از دختران و زنان از چه ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی برخوردارند؟ در پژوهش حاضر، پرونده تمامی ۳۶۱ نفر دختر و زن روسپی که بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به مراکز بازتوانی زنان سازمان بهزیستی استان اصفهان مراجعه داشته‌اند، مورد تحلیل اطلاعات ثانوی قرار گرفت و با ۴۶ نفر دختر و زن روسپی دستگیرشده در سه ماهه اول سال ۱۳۸۶ نیز مصاحبه عمیق به عمل آمد. مقوله روسپی‌گری براساس آرا و نظرات وینبرگ، هاردمن، زیگمن، سن و هاگان تحلیل نظری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۹ درصد دختران و زنان روسپی دارای تحصیلات زیر دیپلم‌اند، ۶۵/۴ درصد مجردند و ۹/۶ درصد متأهل هستند. دامنه سنی آنان در محدوده ۲۹-۲۰ سال و میانگین سنی آنان ۲۰/۲۸ سال است. نابه‌سامانی خانواده، فقر اقتصادی، اعتیاد، جامعه‌پذیری ناقص و ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی و تنوع‌طلبی، هیجان‌طلبی، نداشتن تعادل عاطفی، رفتاری و ضعف هویت اخلاقی از مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی دختران و زنان مورد مطالعه در پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی: زنان روسپی، آسیب اجتماعی، استان اصفهان، ویژگی‌های جامعه‌شناختی، ویژگی‌های روان‌شناختی.

مقدمه

معمولاً جامعه‌شناسان مسئله اجتماعی را وضعیت اظهارشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های بیشتر مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (رابینگتون و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۱۳). در دهه‌های اخیر همگام با رشد گرایش‌های اخلاقی، معنویت و دین‌داری، تمایلات مادی‌گرایانه و ضد اخلاقی نیز در اغلب جوامع گسترش یافته است. مفساد اجتماعی و اخلاقی، از جمله روسپی‌گری^۴ یا بهره‌کشی‌های جنسی، یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌های اخلاقی است که امروزه به علت رواج عقاید سهل‌گیر و اغماض‌گر نسبت به روابط جنسی، با وجود آگاهی از خطرات و زیان‌های بسیار آن، گسترش یافته و موجب انحطاط جوامع گردیده است (بلوگ و همکاران، ۱۹۹۶). ویژگی جالب توجه روسپی‌گری، به همراه داشتن درآمد زیاد، بدون نیاز به داشتن مهارت‌های خاص و سطح بالا است؛ به گونه‌ای که درآمد حاصل از روسپی‌گری خیابانی در کمترین حد آن، ممکن است چندین برابر درآمد ناشی از اشتغال تمام‌وقت به حرفه‌ای باشد که پرداختن به آن نیازمند احراز مهارت‌های ویژه است (ادنالد و کورن، ۲۰۰۱: ۳). روسپی‌گری را می‌توان معلول روحیه لذت‌طلبی، مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی غیرهنجاری دانست. وجود برداشت‌های مختلف از مفهوم روسپی‌گری از جمله مشکلات اساسی در پرداختن به این مقوله است. برای مثال در برخی

^۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی / fatehi.ab@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی / sadeghi_sa@yahoo.com

^۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران / eb.ekhlasi@ut.ac.ir

^۴. Prostitution

از جوامع روسپی‌گری، قراردادی کاری و معامله‌ای تجاری تلقی می‌شود، حال آن که ممکن است در جوامع دیگر ذیل عنوان رابطه زورگویانه و عامل خلل در ضوابط اخلاقی و یا نشانه‌ای از فقر در نظر گرفته شود (کونولی، ۱۹۸۰). پیچیدگی رو به رشد روابط اجتماعی، سست شدن روابط عاطفی حاکم بر خانواده، جوان بودن جامعه و مهاجرت بی حساب به شهرهای بزرگ و افزایش حاشیه‌نشینی، از جمله عواملی هستند که زمینه گسترش انحرافات اجتماعی را فراهم کرده‌اند. ادامه این وضعیت، به‌ویژه در حوزه انحرافات زنان، سلامت و امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها و حتی امنیت سیاسی جامعه را تهدید می‌کند. شناخت علمی موضوع دختران و زنان آسیب‌دیده جنسی اولین گام در رفع تهدیدهای یاد شده است. به نظر می‌رسد ضرورت پرداختن به موضوع مقاله حاضر نیز با استناد به «پنهانی‌بودن روسپی‌گری و تأثیر پیامدهای منفی حاصل از آن، به‌ویژه در متزلزل کردن نهاد خانواده در درازمدت» توجیه‌پذیر باشد. هدف کلی این پژوهش، توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی استان اصفهان است. تعیین میانگین سنی، وضعیت تأهل و وضع تحصیلی دختران و زنان روسپی و نیز شناخت علل گرایش آنان به روسپی‌گری از نظر خودشان، اهداف فرعی پژوهش را تشکیل می‌دهند. مقاله حاضر به دنبال پاسخ این سؤال اصلی است که «مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی استان اصفهان چیست؟». هم‌چنین، مقاله حاضر می‌کوشد برای دو سؤال فرعی زیر پاسخی مناسب بیابد:

۱. علل گرایش دختران و زنان در استان اصفهان به روسپی‌گری از نظر خودشان چیست؟
۲. وضعیت تأهل، وضع اقتصادی، خانوادگی، تحصیلی و میانگین سنی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان چگونه است؟

مرور تحقیقات گذشته

تاکنون تحقیقات داخلی مشابهی درباره موضوع این مقاله انجام شده است که به نتایج بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. علیایی‌زند (۱۳۸۳) در پژوهش خود نشان داد فقر مالی، بیکاری، بی‌سرپرستی، نبودن نهادی برای حمایت از افراد بی‌پناه و برخوردار نبودن از هیچ نوع درآمد، مهم‌ترین عوامل مؤثر در گرایش دختران و زنان به روسپی‌گری است. طلاق، اعتیاد و بزهکاری سه عاملی است که عادلین رأسی (۱۳۷۷) در گزارش خود به عنوان عوامل مؤثر در روسپی‌گری از آن نام برده است. یافته‌های تحقیق اقلیما (۱۳۸۰) نشان می‌دهد ۴۰ درصد از زنان روسپی ترخیص‌شده، پس از خروج از مراکز بازپروری، بنا به دلایلی مانند ارتکاب جرم یا بزه کاری و یا فرار مجدد و یا نداشتن امکان زندگی مستقل، مجدداً دستگیر و به این مراکز بازگردانده می‌شوند. کامرانی فکور (۱۳۸۱) هیجان‌طلبی، ملال‌پذیری و تجربه‌طلبی را ویژگی‌های روان‌شناختی دختران و زنان روسپی گزارش می‌کند؛ ویژگی‌های یادشده در این گروه از زنان، در مقایسه با زنان عادی، به صورت معنی‌داری بیشتر است. هم‌چنین در پژوهش وی، زنان روسپی از حیث بهره هوشی، در مقایسه با زنان عادی نمرات پایین‌تری کسب کرده‌اند. نصیری (۱۳۸۱) ضمن اشاره به وجود رابطه معنی‌دار میان کجروی جنسی با کجروی گروه همسالان و فقر، ارتکاب ۶۴ و ۲۴ درصد از جرایم جنسی را به ترتیب متوجه مردان و زنان در گروه ۲۰-۲۹ ساله گزارش می‌کند.

به استناد یافته‌های تحقیقات خارجی، دختران در مقایسه با پسران جرایم کمتری مرتکب می‌شوند. دلیل این امر، از نظر هاگان و کارتی، سلطه شدید خانواده بر دختران است که آنان را - در مقایسه با پسران - بیشتر تحت کنترل قرار می‌دهد (هاگان و کارتی، ۱۹۹۷: ۲۸۱). ۱۴ درصد روسپیان قبل از ۱۴ سالگی مجبور به انجام فعالیت جنسی شده‌اند و کسانی که در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، ۳/۳ برابر بیشتر از دیگران در معرض اقدام به خودکشی قرار دارند. هم‌چنین، بین افسردگی و روسپی‌گری در سنین پایین ارتباط معناداری مشاهده شده است (پاتر و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج تحقیقات

دیگر نشان می‌دهد بیشتر روسپیان کار خود را در سن پایین و نوجوانی شروع کرده‌اند و میانگین سنی ورود به روسپی‌گری در زنان ۱۴/۱ سالگی است (نادن و همکاران، ۱۹۹۸: ۲۱۳). یافته‌های حاصل از مقایسه دو گروه از کودکان در پژوهش دیگری نشان داده است کسانی که در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، دو برابر بیشتر در معرض روسپی‌شدن هستند (فاتی، ۱۹۹۴: ۸۹). در برخی پژوهش‌ها وجود رابطه معنی‌دار بین مصرف مواد مخدر و رفتار انحرافی گزارش شده است که طی آن ۶۰ درصد زنان مصرف‌کننده کوکائین سابقه روسپی‌گری داشتند. ۶۶ درصد روسپیان قبل از این که به انحراف کشیده شوند، مواد مخدر مصرف می‌کردند (دالا، ۲۰۰۰: ۴۰). به استناد نتایج تحقیقات دیگر، مردان بیشتر از زنان به دنبال رابطه عاطفی با مشتریان خود هستند که این تمایل اغلب به ایجاد خصومت و تنفر منتهی می‌شود (آلن، ۱۹۸۰: ۴۰۹). برخی دیگر از محققان بر این باورند که تعدادی از معتادان به ارتباط جنسی، صرفاً تحت تأثیر اینترنت به مشکلات جنسی آلوده شده‌اند (آلسر، ۲۰۰۱).

در مجموع می‌توان گفت بیشتر تحقیقات داخلی و خارجی، بر چگونگی رابطه میان روسپی‌گری و متغیرهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مؤثر در آن، هم‌چون فقر، بیکاری، بی‌سرپرستی، فقدان حمایت نهادی افراد بی‌پناه، مصرف مواد مخدر، هیجان‌طلبی، ملال‌پذیری، تجربه‌طلبی و بهره‌جویی کم‌تر روسپیان تأکید کرده‌اند. مؤلفان تحقیق حاضر می‌کوشند ضمن استفاده تلفیقی از تکنیک مصاحبه عمیق، تمام‌شماری و تحلیل ثانوی اطلاعات، علاوه بر گزارش افزایش یا کاهش پدیده روسپی‌گری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در استان اصفهان، متغیرهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مؤثر در اقدام به روسپی‌گری را - اعم از موارد مورد اشاره در پژوهش‌های پیشین و یا موارد جدید - شناسایی کنند و با بهره‌جستن از تحلیل‌های نظری، یافته‌های پژوهشی خود را با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مقایسه و مقابله نمایند.

چارچوب نظری

معمولاً تحقیقات پیمایشی و علی بر اساس چارچوب نظری مرتبط با موضوع، اهداف و سؤالات یا فرضیات شکل می‌گیرد و چون این تحقیق توصیفی است و براساس اطلاعات ثانوی صورت گرفته است، بنابراین چارچوب نظری مرسوم در تحقیقات علی در آن، مورد نظر نیست. آنچه در این بخش تحت عنوان چارچوب نظری آمده است، درحقیقت استفاده از آرای دانشمندان برای تحلیل نظری روسپی‌گری است. با کمک گرفتن از آرای دانشمندان در دو حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، می‌توان به لحاظ نظری مقوله روسپی‌گری را به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی تبیین کرد. روان‌شناسان، علل رفتارهای انحرافی را بیشتر در وجود فرد و مؤلفه‌های غیر اجتماعی آن می‌کاوند و جامعه‌شناسان، این دلایل را در ساختارهای اجتماعی جست‌وجو می‌کنند.

از نظر روان‌شناسان چرایی فحشا، صرفاً به پدیده‌های اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه علل روانی مانند گرایش به تنوع‌طلبی، کجروی جنسی، ضعف هویت اخلاقی، اختلال در هویت، درجه اعتماد به نفس، بی‌مبالاتی جنسی و سن در آن دخالت دارند. در برخی از افراد این گروه اختلالات شخصیتی، به‌ویژه اختلال شخصیت ضد اجتماعی، نمود بیشتری دارد (مهبودی، ۱۳۷۸). بر مبنای نتایج تحقیقات مرکز آمار دادگستری کانادا^۵ در سال ۱۹۹۷، متغیر «سن» یکی از عوامل مرتبط با ورود زنان به عرصه روسپی‌گری است که نشان می‌دهد بیشتر روسپیان بزرگسال فعالیت خود را از اوایل دوره نوجوانی آغاز کرده‌اند. فرار از خانه، به منزله متغیر مداخله‌گر، سوء استفاده جنسی را با روسپی‌گری مرتبط می‌سازد. فرار غالباً نوعی سازوکار دفاعی است که در پی سوء استفاده جنسی اتفاق می‌افتد و سوء استفاده جنسی، عاملی است که در بیشتر موارد در میان روسپیان وجود دارد. روسپی‌گری به عنوان یکی از اثرات درازمدت سوء استفاده جنسی، از مؤلفه‌هایی است که از پشتوانه تجربی زیادی در تحقیقات انجام‌شده برخوردار است (فارلی و بارکان،

⁵. Canadian Center for Justice Statistics

۱۹۹۸: ۳۹). دانیتو (۱۳۸۳) معتقد است ویژگی‌های شخصیتی در بروز انحراف اجتماعی مؤثر است. در این میان، آن دسته از ویژگی‌های شخصیتی که سهم عوامل سرشتی و زیستی در آن‌ها بیشتر است، صورت بارزتری دارند. خصیصه «هیجان‌طلبی» یکی از متغیرهای شخصیتی است که پایه‌های زیستی آن شناخته شده و در بین منحرفان جنسی و روسپیان، در مقایسه با افراد عادی، برجسته‌تر است. «نداشتن تعادل عاطفی» که در بسیاری از موارد، فقر فکری نیز به عنوان مکمل به آن اضافه می‌شود، انفصال روحی - جسمی حداکثری و سرانجام، کامل‌ترین شکل جدایی بین عناصر عاطفی از یک طرف و جنبه جسمانی رفتار جنسی از طرف دیگر، از جمله ویژگی‌های روان‌شناختی بارز در میان زنان روسپی است. آشکارترین علامت جداکننده روسپیان از سایر افراد بی‌ثباتی، برخوردار نبودن از درک و احساس حقیقی و در نتیجه، نداشتن ظرفیت لازم برای گذران زندگی از راه تلاش و اشتغال به حرفه‌ای مشروع و منظم است (دانیتو، ۱۳۸۳: ۷۲). اختلالات شناختی موجود در زنان روسپی آنان را به توجیه یا به اصطلاح، عقلانی‌سازی رفتارشان سوق می‌دهد. روان‌شناسان در مواجهه با این وضعیت، تجهیز شناختی افراد در قالب رویکرد کلی‌نگر مشتمل بر فرآیند مشاوره، آموزش مهارت‌های زندگی و توأم کردن آن با آموزش‌های اخلاقی و دینی را پیشنهاد می‌کنند (نصیر و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۹۳۹). بر پایه نتایج به دست آمده از پژوهش‌های روان‌شناختی، در بیشتر اوقات اعتیاد به رابطه جنسی در هر دو جنس زن و مرد مشاهده می‌شود و فرد معتاد به علت احساس گناه و شرم‌ساری پس از انجام آن، از رابطه جنسی خود لذت چندانی نمی‌برد (سیگال، ۲۰۰۵).

در مکتب کارکردگرایی، روسپی‌گری فقط برحسب نتایج آن برای کل جامعه تحلیل می‌شود و از یک منظر کارکردگرایانه به منافع آن برای جامعه هم می‌پردازند. روشن است که این‌گونه دیدگاه‌ها با فرهنگ اسلامی جامعه ما هماهنگی ندارد (اقلیما، ۱۳۸۰). به علاوه، در تحلیل کارکردی روسپی‌گری، علل ساختی و تضادهای به وجود آمده برای خانواده‌ها که موجب ازهم‌پاشیدگی آن‌ها می‌شود، مغفول می‌ماند (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۸۱). بر پایه آرای دورکیم، قوی بودن همبستگی اجتماعی میان اعضای جامعه، هم‌نویایی احتمالی افراد آن جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به همراه دارد؛ این در حالی است که در شرایط همبستگی ضعیف میان اعضا در جامعه، احتمال انحراف مردم بیشتر می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۵: ۱۷۵). مطالعات دورکیم، مرتن، پارسونز و پارک وجود همبستگی معنادار میان جرم و بزه‌کاری و عواملی مانند سن، جنس تراکم جمعیت و رشد جمعیت شهرنشین و بادیه‌نشین را نشان داده‌اند. شرایط اجتماعی در گرایش به بزه‌کاری و رفتارهای ضد اجتماعی، از جمله روسپی‌گری مؤثر است. تقریباً بیشتر روسپیان در خانواده‌هایی رشد کرده‌اند که توانمندی لازم را برای جامعه‌پذیر کردن اعضای خود نداشته‌اند. فشارهای ساختاری، هم‌چون فقر، موقعیت‌های نامناسب محیط اجتماعی و نیز اضطراب‌ها و اختلالات روانی ممکن است برخی از مردم را وادار به بروز انواع خاصی از انحرافات، از جمله اقدام به روسپی‌گری کند. کمبود مهارت‌های شغلی در میان جوانان، منجر به سلب فرصت‌های شغلی مشروع و قانونی از آنان می‌شود. وضعیت مذکور دختران را به فرار و متعاقباً قرارگرفتن در موقعیت‌های بد مالی و در نهایت روسپی‌گری برای ادامه حیات رهنمون می‌سازد (سن، ۱۹۸۹). هم‌چنین، حضور روسپیان در مناطق شهری و عرضه خدمات جنسی از سوی آنان از جمله نتایج حاصل از فرآیند عرضه و تقاضا^۶ است که همواره متضمن انتخاب مصرف‌کننده با لحاظ مؤلفه «خرید مقایسه‌ای»^۷ است. بر این مبنا، فراوانی روسپیان خیابانی در حومه شهرها را باید تا حدی ذیل عنوان تلاش در به حداکثر رساندن دسترسی به مشتری، به ویژه مشتریان برخوردار از خودرو، در نظر گرفت که به لحاظ اقتصادی، تسهیلات لازم را در شکل‌گیری بازار محلی عرضه خدمات جنسی فراهم می‌آورد (هابارد، ۱۹۹۸: ۲۷۰). در تبیین جامعه‌شناختی روسپی‌گری، به دیگر عوامل تأثیرگذار بیرونی مانند تراکم جمعیت و مهاجرت‌های بی‌حساب، وجود تقاضا از سوی مردان (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۵)، طردشدگی روسپیان از حمایت‌های عاطفی

6. Demand and supply

7. Comparative shopping

اطرافیان اشاره می‌شود. پناه آوردن روسپیان به اعتیاد برای جبران خلأ عاطفی، از جمله عوامل مؤثر در اقدام به روسپی‌گری است که وینبرگ بر آن تأکید کرده است (وینبرگ، ۱۹۹۹؛ به نقل از کامرانی فکور، ۱۳۸۱). هاگان و کارتی بی‌کاری و بی‌سرپناهی را دو عامل تأثیرگذار برای ورود به روسپی‌گری خیابانی می‌دانند (هاگان و کارتی، ۱۹۹۷). هاردمن روی‌آوری برخی از زنان به فحشا را متأثر از فقر مالی و اقتصادی و نشانه مقاومت یا پاسخی به فقر در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، ممکن است فحشا یک استراتژی فعال در مواجهه با فقر باشد (هاردمن، ۱۹۸۹؛ به نقل از کامرانی فکور، ۱۳۸۱). بر پایه بیشتر نظریه‌های فمینیستی، زن روسپی قربانی خواهش‌های جنسی مرد - به عنوان قدرت برتر - است. زیگمن در تحلیل نظری روسپی‌گری بر نظریات انتقادآمیزی تأکید می‌کند که زن روسپی را قربانی ساختارهای سرمایه‌داری و اجتماعی تصویر می‌کنند که امکانات اقتصادی را برای زنان تأمین نمی‌کند (زیگمن، ۱۹۹۹: ۱۹۷). سن معتقد است روسپیان به علت سن پایین، کم‌سواد، نداشتن تجربه کاری و موقعیت‌های شغلی و استخدامی محدود با شرایط مالی ضعیف روبه‌رو می‌شوند؛ این وضعیت ممکن است آنان را مجبور به انتخاب گزینه روسپی‌گری برای گذراندن زندگی کند (سن، ۱۹۸۹). سوء استفاده جنسی از روسپیان، در زمان حال و گذشته آنان، نظری است که از جانب بسیاری از محققان تأیید می‌شود. از نظر فارلی، کسانی که در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، دو برابر بیشتر در معرض روسپی‌شدن هستند (فارلی و بارکان، ۱۹۹۸).

اعتیاد به مواد مخدر در بین روسپیان خیابانی بسیار رایج است. استفاده از مواد مخدر در میان روسپیان باعث سازگار شدن با زندگی توأم با اضطراب و مشکلات می‌شود. آنان به این شکل می‌توانند سوء استفاده جسمی و جنسی اعمال‌شده بر خود را راحت‌تر تحمل کنند (بورج، ۱۹۹۷). در تبیین رابطه میان روسپی‌گری و اعتیاد دو الگوی غالب وجود دارد. در الگوی نخست، مردان معتاد، پس از ناتوانی در تأمین هزینه اعتیاد از طریق اشتغال یا اعمال مجرمانه یا کمک‌های والدین، در اغلب موارد، مبادرت به معتاد کردن همسران خود و سپس، وادار ساختن آن‌ها به تن‌فروشی به منظور تهیه هزینه خرید مواد می‌کنند. براساس الگوی دوم، زنان معتاد مطلقه، یا آنان که هرگز ازدواج رسمی نکرده‌اند، با تن‌فروشی اقدام به تهیه هزینه مواد می‌کنند (مدنی، ۱۳۸۲). نکته پایانی این بخش از مقاله مواضع نظری نحله‌های مختلف فمینیستی در تحلیل پدیده روسپی‌گری است که با توجه به تکرر نسبی ادبیات نظری تولیدشده در آن و نیز به منظور اشباع مقاله به لحاظ نظری، به طور خلاصه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. دیدگاه‌های نظری فمینیست‌ها درباره وجوه مختلف

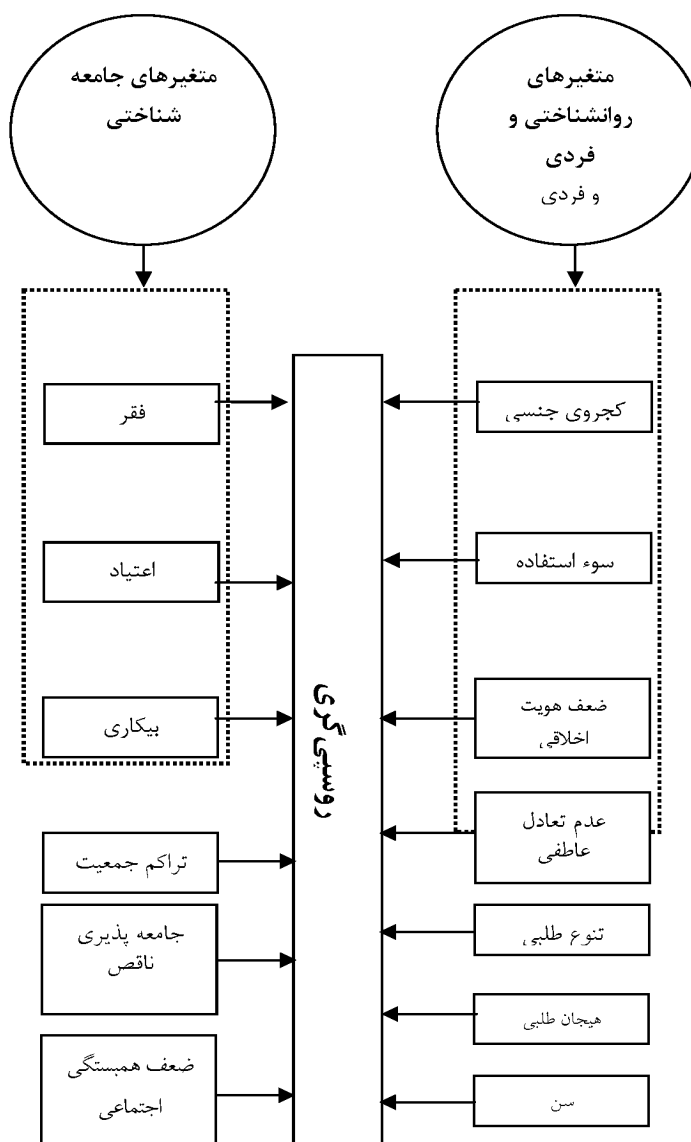
فمینیسم مارکسیست	فمینیسم سوسیالیست	فمینیسم رادیکال
اعتقاد به عنوان منبع و ذات فشار و اجبار، کار دستنزدی به منزله برگی اجباری و تابعیت	تحت فشار قرار گرفتن زنان به منظور پذیرش نقش‌های تصفیه‌آمیز از سوی ساختار نظام‌های	* به مثابه بردگی، متأثر شدن همه زنان از تمایلات ظالمانه مردان، ریشه فرهنگی زورگویی
جستجوی راه‌حل‌های غیر حقوقی، امکان محو در صورت نساوردی *	جستجوی راه‌حل‌های غیر حقوقی نظیر تغییر نظم اجتماعی، امکان محو* در صورت نساوردی	سرکوبی ظالم مردانه، تغییر نگرش‌ها و افزایش تغییر اجتماعی به سمت برابری بیشتر بین دو
* به معنای تحقیر شأن انسان‌های گرفتار بردگی اجباری در نظامی است	* به مثابه فساد نظام سرمایه‌داری	تحقیر آمیز بودن* برای فرد روسپی به طور خاص و زنان به طور عام،
مخالف: تأکید بر علت* از طریق محو سرمایه‌داری به عنوان مسئله مهم‌تر، عدم جستجوی	مخالف: اهمیت بیشتر تغییر نظام‌بندی اجتماعی که* را در جایگاه اول قرار می‌دهد، عدم تلاش پینا	مخالف: بهینه‌نشدن قانونی کردن* به حل مسأله، اهمیت بیشتر تغییر نگرش مردان و
موافق: محو قطعی نظام سرمایه‌داری و *	موافق: نابودی نظام‌های اقتصادی بهره‌کشی نظیر نظام سرمایه‌داری، تأکید	موافق: ریشه‌کشی نابرابری میان دو جنس از طریق ممانعت از هر نوع کنش

گونه‌های	(آزادی، توأم با محدودیت)	فمینیسم لیبرال (آزادی غیر مشروط)	فمینیسم
تأثیرات سرکوب گراشه *	اعتراض نظری به اثر بیش از حد اقتاع سازی فرهنگی بر زنان، بی‌سواد که از طریق مداخله در	* مدلول میل طبیعی زیست شناختی، * به منزله گزینش آزاد فرد روسی است که می‌تواند	مجبور نبودن زنان به * ، * به عنوان تجربه‌های رهایی بخش و اختیار آفرین در غیاب عنصر *
راه‌حل حضور اجتماعی *	مورد تردید قرار دادن امکان انعقاد تصمیم آگاهانه به وسیله فرد روسی، به فرض وجود	امکان بهبود شرایط روستاییان از طریق آموزش، تلاش برای ایجاد برابری بیشتر بین * به منابه هر شفلی	تشویق کتخ‌های رهایی بخش زنان به عنوان انسان آزاد، مملوویت سطوح بالای برابری بین
تأثیرات تخفیر آمیز	امکان بهبود شرایط * از طریق آموزش، استقلال و برابری بین دو جنس،	کننده‌های تحقیق	برخورداری انواع زنان از قدرت‌های فوق العاده برای فائق آمدن بر پریشان حالی، * * *
موضوع در برابر قانونی کردن *	مشروط	موافق	موافق
ریشه کنی *	مخالف: * به منابه یک حق مدنی است که نباید تشویق گردد	مخالف: * به منابه یک حق مدنی	مخالف

الگوی نظری تحقیق

بر پایه نتایج تحقیقات یادشده در پیشینه و نیز نظریه‌های مطرح در چارچوب نظری، مؤلفان الگوی نظری زیر را پیشنهاد می‌کنند.

نمودار ۱. مدل نظری



روش تحقیق

تعاریف نظری و عملی متغیر وابسته: با یادآوری این نکته که تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است و با روش اسنادی از طریق تحلیل اطلاعات ثانوی و مصاحبه عمیق صورت گرفته است، دو اصطلاح روسپی‌گری و روسپی به منزله متغیر وابسته معرفی می‌شوند. بر این اساس، روسپی‌گری به خدمات جنسی و خرید و فروش آن برپایه قیمت شناخته شده و توافقی اطلاق می‌شود که مبتنی بر الگوی تعامل بین افرادی است که از حیث اجتماعی نسبتی با هم ندارند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۰). هم‌چنین، به لحاظ نظری، زنان و دخترانی که در یک چارچوب غیر شرعی، غیر عرفی و یا غیر قانونی، با هدف دستاوردهای مادی، به هم‌آغوشی با افراد تن می‌دهند، روسپی نامیده می‌شوند (علیایی‌زند، ۱۳۸۳).

ابزار گردآوری داده‌ها: برای استخراج اطلاعات موجود در پرونده‌های سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ از پرسش‌نامه ساخته شده بر مبنای نظرات افراد متخصص به شکل چک لیست و برای گردآوری اطلاعات افراد در زندان از مصاحبه ساخت‌یافته استفاده شده است.

روایی یا اعتبار پرسش‌نامه: برای افزایش اعتبار ابزار اندازه‌گیری، در طراحی «پرسش‌نامه برای چک لیست» و نیز «پرسش‌نامه برای مصاحبه» از نتایج مطالعات نظری مرتبط و نیز نظر متخصصان استفاده شد.

جمعیت: جمعیت این تحقیق شامل کلیه زنان روسپی استان اصفهان در سال ۱۳۸۶ است. اطلاعات ۳۶۱ پرونده مربوط به دختران و زنان روسپی که طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به مرکز بازتوانی زنان سازمان بهزیستی استان اصفهان ارجاع داده شده‌اند، به صورت تمام‌شماری ابتدا با استفاده از چک لیست‌های مربوط که متخصصان جامعه‌شناس و روان‌شناس تهیه کردند، استخراج و طبقه‌بندی شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (تحلیل اطلاعات ثانوی). هم‌چنین، از تمام ۴۶ نفر زن دستگیرشده در سه ماهه اول سال ۱۳۸۶ که در زندان به سر می‌بردند، مصاحبه ساخت‌یافته به عمل آمد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش عرضه می‌شود. بخش اول یافته‌ها مربوط به پرونده ۳۶۱ زن روسپی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ و بخش دوم یافته‌ها مربوط به مصاحبه ساخت‌یافته از ۴۶ زن روسپی می‌باشد.

بخش اول: یافته‌های حاصل از پرونده ۳۶۱ زن آسیب‌دیده از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

سن: میانگین‌های سنی مشاهده‌شده طی سال‌های مذکور نشان می‌دهد این دختران و زنان بسیار جوان بودند. ۴۵/۷ درصد از آنان در محدوده ۲۰ تا ۲۹ سال قرار داشتند. کمترین میانگین در سال ۱۳۸۳ (۱۸/۷۵ سال) و بیشترین میانگین در سال ۱۳۸۵ (۲۰/۹۸ سال) است. در مجموع برای شش‌سال مطالعه‌شده، میانگین سنی ۲۰/۲۸ مشاهده شد.

وضعیت تأهل: بیشتر زنان روسپی مجرد هستند (۶۵/۴ درصد). کمترین درصد نیز متعلق به زنان بیوه بود (۱/۲ درصد). ۹/۶ درصد از زنان روسپی متأهل هستند. نسبت زنان متأهل در میان زنان روسپی طی سال‌های ۸۰ تا ۸۵ نوسان داشته است. بر اساس یافته‌های توصیفی، ۳ درصد زنان روسپی در سال ۸۰، ۷ درصد در سال ۸۱، ۴ درصد در سال ۸۲، ۲ درصد در سال ۸۳، ۱۱ درصد در سال ۸۴ و ۵ درصد از زنان روسپی در سال ۸۵ متأهل بودند.

وضعیت تحصیلی: ۱۰/۹ درصد بی‌سواد، ۲۶/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۸/۲ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۲۳/۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم و ۵ درصد آنان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بودند. نسبت افراد دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم و نیز نسبت افراد بی‌سواد در میان زنان روسپی کمتر از بقیه سطوح است. بیشترین درصد متعلق به گروه تحصیلی سیکل است.

وضعیت اقتصادی: ۵۵/۵ درصد از وضعیت اقتصادی متوسط، ۳۴/۵ درصد از وضعیت اقتصادی نامناسب و ۱۰ درصد آنان از وضع خوب اقتصادی برخوردار بودند.

اعتیاد به مواد مخدر: ۱۶ درصد زنان معتادند و ۶۷/۴ درصد آنان قبل از روسپی‌گری به کار خرید و فروش و یا حمل و نقل مواد مخدر مشغول بودند.

فرار از خانه: ۴۵ درصد از آنان در نوجوانی یا از خانه فرار کرده‌اند و یا غیبت‌های طولانی و غیرمعارف داشتند.

۶۵ درصد از زنان متأهل و ۵۵ درصد از زنان مجرد از خانواده‌های نابه‌سامان بودند.

داشتن پیوندهای ضعیف اجتماعی: ۶۸ درصد از مجردان و ۵۴ درصد از متأهلان دارای پیوندهای ضعیف اجتماعی بودند.

علل گرایش به روسپی‌گری از زبان روسپیان: بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرونده‌ها، ۷۸/۳ درصد از زنان، فقر را

عامل اصلی روسپی‌گری خود بیان کرده‌اند. ۴۱/۳ درصد از متأهلان اختلاف با همسر و ۶۳ درصد (از مجردان و متأهلان) خانواده نابه‌سامان و ۷۸ درصد از آنان فرار از خانه را از عوامل اقدام به روسپی‌گری خود بیان کرده‌اند.

خلاصه نظرات مددکاران اجتماعی مندرج در پرونده‌ها: این یافته‌ها نشان می‌دهد نابه‌سامانی خانواده به‌ویژه ناسازگاری والدین و یا همسر از مهم‌ترین علل گرایش زنان به روسپی‌گری است. مصادیق این نابه‌سامانی‌ها عبارت‌اند از: ناسازگاری، نزاع و خشونت، جدایی و طلاق، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر.

بخش دوم: یافته‌های حاصل از اطلاعات مصاحبه‌های ساخت یافته

وضعیت اقتصادی: مقوله‌بندی وضعیت اقتصادی افراد مورد مصاحبه با استفاده از شاخص‌های سنجش پایگاه اقتصادی صورت گرفته است. بر این اساس، ۴۳/۵ درصد از افراد مورد مصاحبه از وضعیت اقتصادی متوسط، ۳۰/۴ درصد از وضعیت اقتصادی نامناسب و تنها ۱۲ درصد از وضعیت خوب اقتصادی برخوردار بودند.

وضعیت خانوادگی: به منظور آگاهی از چگونگی وضعیت خانوادگی آزمودنی‌ها شاخص‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

فاصله سنی با همسر: میانگین فاصله سنی نمونه‌های مطالعه‌شده با همسران‌شان بسیار بیشتر از حد معمول جامعه است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، میانگین فاصله سنی با همسر ۴ سال است. در حالی که فاصله سنی بیش از ۶۰ درصد از آزمودنی‌ها با همسران‌شان بیش از ۱۱ سال است و ۳۰ درصد از آنان ۸ تا ۱۱ سال از همسران‌شان کوچک‌ترند.

سن ازدواج: اکثر نمونه‌های مطالعه‌شده قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند (۳۰/۴ درصد). همچنین ۲۸/۲ درصد بین ۱۵-۱۸ سالگی، ۲۱/۷ درصد بین ۱۸-۲۱ سالگی و ۸/۸ درصد بعد از ۲۱ سالگی ازدواج کرده‌اند. ۱۰/۹ درصد هم به این سؤال پاسخ نداده‌اند. میانگین سن ازدواج نمونه‌های بررسی‌شده ۱۶ سال به دست آمده است. کمترین سن ازدواج ۱۰ سال و بیشترین سن ۲۷ سال است.

مدت اعتیاد به مواد مخدر: ۳۶/۱ درصد از آزمودنی‌ها معتاد بودند و نیمی از افرادی که به این سؤال پاسخ دادند، بیش از پنج سال از اعتیادشان سپری شده است.

فرار از خانه: ۲۱/۷ درصد آزمودنی‌ها کسانی بودند که حداقل یک بار از خانه فرار کرده‌اند. اجبار به ازدواج با فرد غیر دلخواه و مخالفت خانواده برای ازدواج با پسر مورد علاقه از دلایل فرار از خانه بیان شده است.

کمبودهای اساسی دوران کودکی: نیاز اساسی نمونه‌های بررسی‌شده بر اساس ارقام مندرج در جدول ۲ کمبود مهر و محبت در دوران کودکی ذکر شده است (۴۲/۵ درصد). نکته مهم این است که نیاز مالی در مقایسه با کمبود مهر و محبت و درک متقابل در مرتبه پایین‌تری قرار گرفته است.

جدول ۲. کمبودهای اساسی دوران کودکی

کمبودهای اساسی دوران کودکی	فراوانی	درصد
مهر و محبت	۳۱	۴۲/۵
درک متقابل	۲۰	۲۷/۴
نیازهای مالی	۱۵	۲۰/۵
تفریح و سرگرمی	۷	۹/۶
جمع	۷۳	۱۰۰

جرایم دوران کودکی: از میان ۴۶ نمونه مطالعه‌شده، ۳۱ نفر (۶۷/۴ درصد) شاهد وقوع جرایمی بوده‌اند که بیشترین فراوانی آن مربوط به اعتیاد، پخش مواد مخدر و روسپی‌گری بوده است.

سوءاستفاده جنسی: ۲۳/۹ درصد از افراد مورد مصاحبه قبل از اقدام به روسپی‌گری مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. این سوءاستفاده بیشتر از سوی افراد غریبه (۳۶/۳ درصد) و سپس از سوی دوست پسر (۲۷/۳ درصد) رخ داده است. ۱۸/۲ درصد سوءاستفاده‌های جنسی از جانب افراد فامیل بود که محل تأمل است.

سن آغاز روسپی‌گری: شروع به روسپی‌گری در میان افراد مورد مصاحبه بیشتر در دامنه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارد (۳۲/۶ درصد). در عین حال آغاز روسپی‌گری در میان ۱۳/۱ درصد افراد مورد مصاحبه قبل از ۱۵ سالگی بوده است. کمترین سن آغاز روسپی‌گری ۱۱ سال و حداکثر ۵۰ سال مشاهده شده است.

نگرش افراد مورد مصاحبه به مقوله روسپی‌گری (۴۶ نفر)

۴۳/۵ درصد روسپیان با این تفکر که این کار برای آنان به صورت عادت درآمد و قادر نیستند آن را ترک کنند مخالف‌اند. ۸۹/۱ درصد افراد مورد بررسی فقر مالی و آوارگی را در اقدام به روسپی‌گری مؤثر می‌دانند. هم‌چنین ۷۸/۳ درصد افراد مورد مصاحبه فقر مالی را علت اصلی اقدام به روسپی‌گری بیان کرده‌اند. ۸۸/۲ درصد کمبود محبت و محرومیت عاطفی را در اقدام به روسپی‌گری مؤثر می‌دانند. در این میان، ۶۳/۱ درصد آنان معتقد به نقش اساسی والدین در اقدام دختران به روسپی‌گری هستند. ۷۰ درصد افراد مورد مصاحبه از این کار رضایت ندارند و ۶۵/۲ درصد آنان از این کار متنفرند و مایل به بازگشت به زندگی عادی هستند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در مجموع طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ تعداد روسپی‌ها افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۰، رشد ۷ درصدی روسپی‌گری را شاهد هستیم. نکته اساسی تأمل‌پذیر در این بخش از یافته‌های مقاله این است که با توجه به محدود بودن پژوهش حاضر به روسپیان معرفی شده به مرکز بازتوانی زنان سازمان بهزیستی استان اصفهان، این احتمال وجود دارد که افزایش تعداد زنان روسپی ناشی از تغییر سیاست‌ها و روندها بوده باشد.

بررسی میانگین سنی در پرونده‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ نشان داد که تقریباً میانگین سنی در این سال‌ها یکسان است. در حالی که مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که میانگین سنی در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی کاهش یافته است. این یافته محل تأمل است. یکی از احتمالاتی که شاید بتوان بر مبنای آن تفاوت نتایج تحقیقات پیشین و تحقیق حاضر را در میانگین سنی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی تبیین کرد، این است که با توجه به فعالیت گسترده گروه‌های مافیایی، بسیاری از این افراد، بر مبنای فرض فعالیت احتمالی باندهای قاچاق دختران، از نمونه‌های مطالعات حذف شده‌اند. باندهای مذکور به طور عمده دختران ۱۳ تا ۱۷ سال را مورد معامله قرار می‌دهند و آنان را به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس روانه می‌کنند (کلاسون و هاگس، ۲۰۰۴). با وجود این، در تمامی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ دختران روسپی کمتر از ۱۵ سال نیز مشاهده گردید و حتی در سال‌های ۸۰ و ۸۴ دختران ۱۱ ساله نیز پرونده داشتند. این یافته با یافته علیایی‌زند (۱۳۸۳) که ورود دو درصد از دختران به دنیای روسپی‌گری را قبل از دوازده‌سالگی گزارش کرده، هماهنگ است. در مطالعه حاضر میانگین سنی به دست آمده در مجموع سال‌های ۸۰ تا ۸۵، ۲۰/۲۸ سال بود که این یافته نیز حکایت از ورود دختران استان اصفهان به دنیای

روسی‌گری، در سنین جوانی دارد. آغاز روسپی‌گری به میزان ۱۳/۱ درصد قبل از ۱۵ سالگی بسیار حایز اهمیت است. در توجیه این یافته می‌توان گفت با توجه به این که در این سنین والدین مسئولیت فرزندان را به عهده دارند، سعی می‌کنند رفتار و اعمال آنان را تحت کنترل قرار دهند و آنان را با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو سازند. اگرچه ممکن است این‌گونه نظارت‌ها در برخی از دختران موجب کاهش وقوع جرم گردد، احتمال دارد چنین دخترانی در پیدا کردن راه‌هایی از این فشارها از خانه فراری و گرفتار فعالیت‌های غیرقانونی شوند.

سن ازدواج و فاصله سنی از همسر می‌تواند از عوامل اختلافات خانوادگی و به دنبال آن روی آوردن به روسپی‌گری محسوب شود. در این مطالعه در مجموع ۵۸/۶ درصد زنان قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده بودند. از آن‌جا که اغلب افرادی که در سن کم ازدواج کرده‌اند، تحمیل و اجبار والدین را در ازدواج خود گزارش کرده‌اند طبیعی است که بدون رضایت و علاقه تن به ازدواج داده‌اند و پس از چندی به انحراف کشیده شده‌اند. در این مطالعه، ۴۱/۳ درصد از متأهلان اعلام کرده‌اند که بیش از هشت سال با همسران‌شان اختلاف سن داشته‌اند و حتی اختلاف سنی بیش از یازده سال به میزان ۱۵/۳ درصد مشاهده شده است. یافته‌ها درباره وضعیت تأهل زنان روسپی، نشان داد ۶۵/۴ درصد افراد مجرد هستند که درصد قابل توجهی از آنان را دختران فراری تشکیل داده‌اند. ۹/۶ درصد از افراد مورد مصاحبه زنان متأهلی بودند که در عین متأهل بودن روسپی‌گری می‌کردند. قجاوند (۱۳۸۵) در بررسی خود در محله ارزنان اصفهان به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از زنان روسپی مطالعه‌شده، متأهل بودند و اغلب از نقاط مختلف به این محله مهاجرت کرده بودند. با توجه به حرمت خودفروشی زنان متأهل در آموزه‌های دینی و زشتی آن به لحاظ اجتماعی، یافته‌ها حکایت از بحران پنهان فرهنگی و اجتماعی دارد و زنگ خطری برای کانون خانواده به شمار می‌آید.

وضعیت اقتصادی، متغیری است که معمولاً در تحقیقات پاسخ‌درستی به آن داده نمی‌شود. علاوه بر این، معمولاً پاسخ‌گویان در بیان وضعیت اقتصادی خود، به نوعی «احساس» خود را از وضعیت اقتصادی‌شان بیان می‌کنند که این احساس بیشتر یا ناشی از مقایسه خود با کسانی است که در وضعیت بهتری قرار دارند و یا ناشی از احساس تبعیض و بی‌عدالتی اقتصادی است. با این توضیح، ۳۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان (در مصاحبه) معتقدند که وضعیت اقتصادی‌شان بد است و ۱۲ درصد نیز وضعیت اقتصادی‌شان را خوب و ۴۳/۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. این یافته مربوط به وضع فعلی زنان مورد مصاحبه است و احتمالاً در زمان آغاز روسپی‌گری وضعیت اقتصادی آنان بدتر بوده است و با افزایش درآمد بهبود یافته است. فقر از عوامل مؤثر در اقدام به روسپی‌گری است. در این بررسی، ۷۸/۳ درصد از ۴۶ زن روسپی مورد مصاحبه، فقر را عامل اصلی در اقدام به روسپی‌گری بیان کرده‌اند. این یافته، با یافته‌های عادلین‌رآسی (۱۳۷۷)، علیایی‌زند (۱۳۸۳) و وروایی (۱۳۸۴) هم‌خوانی دارد.

در مورد وضعیت خانوادگی افراد مورد مصاحبه، نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۶۳/۱ درصد از ۴۶ زن روسپی مورد مصاحبه، معتقد به نقش اساسی والدین در گرایش دختران به روسپی‌گری هستند. به طور کلی، این یافته‌ها با نتایج میرزمانی (۱۳۸۳)، موسوی (۱۳۷۷) و صابری (۱۳۸۲) هم‌سو است. این محققان به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی مانند طلاق، جدایی والدین، خشونت والدین و همسر، کمبود عاطفی و عدم ارضای نیاز به محبت از جمله عوامل مؤثر در روی آوردن به روسپی‌گری است.

مطالعه پرونده‌های سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ نشان داد که در جمعیت مورد مطالعه، مجموع خودفروشی در میان بی‌سوادها و کم‌سوادها (۶۹ درصد زیر دیپلم) بسیار بیشتر از گروه باسوادها (۲۹ درصد دیپلم و بالاتر) است. دو طرف طیف را افراد با تحصیلات عالی و بی‌سوادها تشکیل می‌دهند. صابری (۱۳۸۲) و وروایی (۱۳۸۴) به وجود رابطه معنی‌دار بین تحصیلات و روسپی‌گری پی بردند و تحصیلات پایین را از جمله عوامل مؤثر بر روسپی‌گری می‌دانند. یادآوری این نکته ضروری است که این بخش از یافته‌های تحقیق حاضر را نمی‌توان به کل جمعیت روسپیان تعمیم داد، مگر آن که یافته مذکور

با جمعیت کل مقایسه شود.

بر مبنای اطلاعات حاصل از تمام‌شماری ۳۶۱ پرونده، ۴۵ درصد از زنان روسپی معتقدند که فرار از خانه در اقدام آنان به خودفروشی مؤثر بوده است. هم‌چنین، ۲۱/۷ درصد از ۴۶ زن روسپی مورد مصاحبه، در نوجوانی از خانه فرار کرده بودند. این یافته با یافته‌ی علیایی‌زند (۱۳۸۳) و وروایی (۱۳۸۴) هم‌سو است. اسکت (۱۹۸۸) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ۶۴ درصد زنان شرکت‌کننده در مطالعه‌ی وی، قبل از ورود به فحشا از منزل گریخته بودند.

بررسی زنان مورد مطالعه در سال ۱۳۸۶ نشان داد که ۲۳/۹ درصد از آنان قبل از شروع روسپی‌گری مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند؛ این سوء استفاده اغلب از سوی افراد غریبه (۳۶/۳ درصد) و سپس از سوی دوست پسر (۲۷/۳ درصد) رخ داده است. ۱۸/۲ درصد سوء استفاده جنسی از سوی افراد فامیل رخ داده که محل تأمل است. نتیجه تحقیق سیلبرت (۱۹۹۴) هم نشان داد که ۲۳ درصد از روسپی‌ها را پدرخوانده‌ها و ۱۰ درصد آنان را افراد غریبه در ۳ تا ۱۶ سالگی مورد سوء استفاده جنسی قرار داده‌اند.

اعتیاد به مواد مخدر در بین روسپیان خیابانی بسیار رایج است (بوربچ، ۱۹۹۷). به علاوه، ۶۶ درصد روسپیان پس از آغاز اعتیاد، به فحشا گرفتار شده و ۱۸ درصد پس از اقدام به روسپی‌گری شروع به مصرف مواد مخدر کرده بودند (دالا، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر، نتایج حاصل از تمام‌شماری پرونده‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ نشان داد که ۱۶ درصد از زنان روسپی مواد مخدر مصرف می‌کردند و نیز ۶۷/۴ درصد آنان در نوجوانی شاهد وقوع جرایمی بوده‌اند که اعتیاد و پخش مواد مخدر در رأس آن‌ها قرار دارد. بنابراین، می‌توان گفت اعتیاد و مصرف مواد مخدر از جمله عوامل مؤثر در شروع روسپی‌گری است.

در مجموع، بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، تأثیرگذاری عوامل متعددی هم‌چون ضعف وضعیت اقتصادی، تحصیلات پایین، فرار از خانه، سوء استفاده جنسی، اعتیاد به مواد مخدر، وضعیت نامناسب خانوادگی (طلاق، جدایی و خشونت والدین، کمبود عاطفی)، ازدواج توأم با اجبار والدین در سنین پایین و اختلاف سنی زیاد زوجین با یکدیگر، در اقدام به روسپی‌گری نشان داده شد. همین امر، ضرورت اجتناب از هر گونه نگاه مکانیکی تقلیل‌گرایانه در فهم و تبیین پدیده‌های اجتماعی، از جمله روسپی‌گری را برای برنامه‌ریزان وجوه مختلف حیات اجتماعی بیش از پیش روشن می‌سازد.

منابع

- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۰) بررسی عوامل مؤثر در بازگشت زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی به مراکز بازپروری سازمان بهزیستی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، معاونت پژوهشی.
- دانی‌تو، آندره مورالی (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی روابط جنسی، ترجمه حسن پویان: تهران: توس.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۵) درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رابینگتون، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۸۲) رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسایل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵) «نگاهی دیگر به روسپی‌گری: علل، پیامدها و رویکردها»، مجموعه مقالات و گفت‌وگوهای نظام اسلامی و مسئله روسپی‌گری، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۹) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه.
- صابری، زهرا (۱۳۸۲) بررسی ویژگی‌های خانوادگی - اجتماعی زنان روسپی در مقایسه با زنان غیر روسپی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

عادلیان رأسی، حمیده (۱۳۷۷) بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری بین زنان ۱۵-۳۵ سال مرکز بازپروری حریت مشهد، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

علیایی‌زند، شهین (۱۳۸۳) عوامل زمینه‌ساز تن‌دادن زنان به روسپی‌گری، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، معاونت پژوهشی.

قجاوند، کاظم (۱۳۸۵) روسپی‌گری در محله ارزنان اصفهان، دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. کامرانی فکور، شهربانو (۱۳۸۱) بررسی مقایسه‌ای خصوصیات روان‌شناسی زنان ویژه با زنان عادی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مدنی، سعید (۱۳۸۲) «پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، بهار ۸۲: ۷-۳۴.

موسوی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۷) بررسی چگونگی و علل انحرافات اجتماعی دختران و زنان جوان در مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مهبودی، مسعود (۱۳۸۱) مقایسه سبک اسناد علی زنان ویژه بازنداشت شده با زنان عادی (۱۳۷۷-۷۸)، معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکت‌ها، مرکز امور مشارکت زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی (دانشکده روان‌شناسی).

میر زمانی، سید محمود، روح‌انگیز کاوسی و محمدعلی بشارت (۱۳۸۳) «ویژگی‌های زمینه‌ای دختران و زنان گریزان از خانه تحت پوشش مراکز بازپروری سازمان بهزیستی استان تهران»، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال نهم، ۳۳-۳۴، پاییز و زمستان، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، www.iranwoman.org.

نصیری، معصومه (۱۳۸۱) «کجروی جنسی، علل و زمینه‌های آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵: ۲۲۱-۲۳۸.

وروایی، اکبر (۱۳۸۴) بررسی عوامل مؤثر بر روسپی‌گری در تهران، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.

- Allen, D. M. (1980) "Young Men Prostitutes: A Psychological Study", *Archives of Sexual Behaviour* 9: 399-426.
- Boritch, H (1997) *Fallen Women: Female Crime and Criminal Justice in Canada*, Toronto: ITP Nelson.
- Bromberg, Sara (1998) *Prostitution: On Whores, Hustlers and Johns*: Prometheus Books, adopted from D. Kelly "Weisberg, Applications of Feminist Legal Theory to Women's Lives".
- Bullough, B. & V. L. Bullough (1996) "Female Prostitution: Current Research and Changing Interpretations"; *Annual Review of Sex Research*, Vol. 7: 158-180.
- Canadian Center for Justice Statistics (1997) "Street Prostitution in Canada", *Juristat* 17 (2)
- Clawson, Patrick (2006), "Irans Motives and Strategies: The Role of the Economy", Senate Committee on Foreign Relations. On May 17, Institute Deputy Director for Research Patrick Clawson Testified before the U.S. Senate Committee on Foreign Relations.
- Connolly, Mark Thomas (1980) *The Response to Prostitution in the Progressive Era*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Dalla, R. L. (2000) "Exposing the "Pretty Woman" Myth: A Qualitative Examination of the Lives of Female Street Walking Prostitutes", *The Journal Of Sex Research*, 37: 344-353.
- Edlund Lina & Korn Evelyn (2001) *A Theory of Prostitution*, Columbia University, Department of Economics.
- Farley, M. & H. Barkan (1998) "Prostitution, Voilence & Post Traumatic Stress Disorder", *Women & Health*, San Francisco, Harworth press, 27 (3): 37-49.
- Fotti, S. (1994) *Sexual Abuse as a Precursor to Prostitution*, Doctoral dissertation, Northwestern University.
- Hagan, J. & B. McCarthy (1997) *Mean Streets*. London: Cambridge University Press.
- Hubbard, Phil (1998) "Community Action and the Displacement of Street Prostitution: Evidance from British Cities", *Geoforum*, 29 (3): 269-286.
- Hughes, Donna M. (2004) "Sex Slave Jihad", *FrontPage.com*.
- Lasser, Mark R. (2001) *Pornography in Internet*, <http://galenet.galegroup.com>, <http://www.iranculture.org>.
- Nadon, S., C. Koverola and E. Schludermann (1998) "Antecedents to Prostitution" *Childhood Victimization*, 12 (2): 206-

- Nasir, Rohany, Zamani, Zainah Ahmad & Rokiah Ismail (2010) "Self esteem and Cognitive Distortion among Involved in Prostitution in Malaysia", *Procedia Social and Behavioural Science*, 5: 1939-1944.
- Potter, K. Martin, & S. Romans (1999) "Early Development Experiences of Female Sex Workers: A Comparative Study", *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 33: 935-940.
- Schetky, Diane H. (1988) "Child Pornography and Prostitution," *Child Sexual Abuse*, Brunner/Mazel. 104.
- Seng, M (1989) Child Sexual Abuse and Adolescent Prostitution: A Comparative Analysis of Adolescence in Canadian Center for Justice Statistic, Street Prostitution in Canada. *Juristat* 13(4).
- Siegel, Larry J. (2005) *Criminology: The Core Second Edition*, New York: Thompson.
- Silbert, Mimi H. (1994) "Treatment of Prostitute Victims of Sexual Assault, "Victims of Sexual Agression, Van Nostrand Reinhold. 107.
- Young, A. M., C. Boyd & A. Hubbell (2000) Prostitution, Use & Coping with Psychological Distress, *Journal of drug issues*, 30: 789-800.
- Zigman M. (1999) Under the Law, "Teen Prostitution in Kensington", *Critique of Antropology*, 19: 193-201.